

۱۵۶۵۶۰۹

تاریخ سیاسی مطبوعات مصر

(جلد اول)

دکتر عباس اسدی

عضو هیات علمی دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی



انتشارات آوای نور

تهران - ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شابک	978-600-309-223-5
شماره کتابشناسی ملی	۴۳۱۱۳۱۵
عنوان و نام پدیدآور	تاریخ سیاسی مطبوعات مصر / عباس اسدی
مشخصات نشر	تهران : آوای نور: آثار فکر، ۱۳۹۵ -
مشخصات ظاهری	ج
موضوع	مطبوعات و سیاست -- مصر -- تاریخ
موضوع	History -- Press and politics -- Egypt
رده بندی دیسی	۶۲/۰۷۹
رده بندی کنگره	۱۳۹۵۴۶۲PN ۵-۲الف/
سرشناسه	ا. ی. عباس، ۱۳۵۰ -
وضعیت فهرست نویسی	فیا



تاریخ سیاسی مطبوعات مصر (جلد یکم)

تالیف: دکتر عباس اسدی

ناشر: انتشارات آوای نور

با همکاری: انتشارات آثار فکر

چاپ اول - شهریور ۱۳۹۵

تیراژ: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۲۲۳-۵

تهران: خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری - پلاک ۹۹

نمبر: ۶۶۴۸۰۸۸۲

تلفن: ۶-۶۶۹۶۷۳۵۵

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

قیمت ۱۲۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۱	فصل نخست: تحولات مطبوعات در دوران خدیوها
۱۳	مطبوعات دوران محمد علی پاشا
۱۵	مطبوعات دوران عباس اول
۱۶	مطبوعات دوران محمد پاشا
۱۶	مطبوعات دوران اسماعیل پاشا
۲۰	مطبوعات دوران توفیق پاشا
۲۲	راغب پاشا
۲۴	مطبوعات دوران اشغال مصر
۳۳	مطبوعات در دوران پس از جنگ جهانی دوم
۴۰	خلاصه فصل یک
۴۳	فصل دوم: تحولات مطبوعات در دوره نجیب و ناصر
۴۳	سرگذشت نجیب و ناصر
۵۲	ناصر و مطبوعات
۵۹	ناصر و مالکیت مطبوعات
۶۷	روزنامه نگاری و جاسوسی
۱۱۹	خلاصه فصل دوم

فصل سوم: تحولات مطبوعات در دوره سادات ۱۲۱

سرگذشت سادات ۱۲۱

سادات و مساله مطبوعات ۱۳۶

قانون عیب سادات ۱۵۹

رهبران مصر و چالش های سندیکاهاى مطبوعاتی ۱۶۲

خلاصه فصل سوم ۱۶۸

منابع ۱۶۹

www.ketab.ir

مقدمه:

جهان با است مصر، دور باطل است. این را تحولات سیاسی در آن کشور نشان می دهند. اگرچه این کشور یکی از نخستین کشورهای خاورمیانه بود که پس از حمله ناپلئون درهای خود را به سمت جهان غرب گشود و در تحولات فرهنگی و روشنفکری به کشوری پیشرو در منطقه تبدیل شد. لی هیچ گاه نتوانست دور باطل سیاست را بشکند. چنان که، هنوز دموکراسی در این کشور، یعنی به درازای رود نیل دارد.

البته، مصر در مقاطعی در دوران معاصر نقش مهمی در سیاست خاورمیانه ایفا کرده است. در دهه ۵۰ میلادی، جمال عبدالناصر، یکی گرای عربی و جنبش عدم تعهد را بنیاد نهاد، کانال سوئز را ملی کرد و نقش محوری در تلاش‌های ضد امپریالیستی در جهان عرب و آفریقا ایفا نمود و به طور کلی، سیاست‌های ملی گرایانه او که به ناصرسم مشهور شد، هواداران زیادی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در جهان عرب پیدا کرد. هرچند شکست در جنگ ۶ روزه از اسرائیل در ۱۹۶۷، دهه‌ها زیادی به موقعیت عبدالناصر به عنوان «رهبر جهان عرب» وارد ساخت، با این حال، و اما در نزد عموم اعراب، به عنوان نماد حیثیت و آزادی اعراب باقی ماند. در حالی که انور سادات، جانشین او با امضای پیمان کمپ دیوید در سال ۱۹۷۹ مواضع کشورش را به غرب نزدیک تر کرد، اقدامی که نه تنها به اخراج مصر از جامعه عرب تا سال ۱۹۸۹ منجر شد، حتی به کشته شدن سادات نیز انجامید.

حسنی مبارک نیز، که پس از او به قدرت رسید، بعد از حکمرانی طولانی محمدعلی پاشا در قرن نوزدهم، بیش از هر رهبر دیگری بر مصر حکومت کرد. مبارک یکی از قدیمی ترین رهبران سیاسی در جهان عرب بود، که در سن ۷۷ سالگی در سال ۲۰۰۵ برای پنجمین دوره پیاپی رئیس جمهور مصر شد. حسنی مبارک، برخلاف انور سادات،

هیچ گاه معاونی برای خود برنگزید و از سال ۱۹۸۱ که رهبری مصر را به دست گرفت، عملاً اجازه نداد که هیچ شخصیت سیاسی در حزب حاکم برجسته شود. طی ۳۰ سال حکومت سرکوبگرانه او، در مصر همواره حالت فوق العاده برقرار و فساد به طرز فزاینده ای در حال گسترش بود. تا این که با سقوط او در بهار عربی ۲۰۱۱، دوره جمهوری اول در مصر نیز به پایان رسید. در ۵۹ سال دوران جمهوری اول (۱۹۵۲-۲۰۱۱) تنها ۴ رئیس جمهور در مصر به قدرت رسیدند که عبارت بودند از: محمد نجیب، جمال عبدالناصر، انور سادات و حسنی مبارک. وجه بارز این دوران، دیکتاتوری نظامیان بود.

در سال ۲۰۱۲ با پیروزی محمد مرسی، کاندیدای اخوان المسلمین در انتخابات ریاست جمهوری، جمهوری دوم آغاز شد. حکومت مرسی نخستین رئیس جمهور غیر نظامی به گونه ای شریعتی شد که برخی گمان داشتند که دوران دموکراسی در مصر فرا رسیده است. اما در اولین سالگرد به قدرت رسیدن او، ارتش طی کودتایی، بهار عربی را به خزان زودرس دموکراسی تبدیل کرد و قدرت را در اختیار فرمانده خود ژنرال عبدالفتاح السیسی قرار داد.

در این میان، روزنامه نگاری نیز در مصر، همواره با جزر و مدهای سیاسی همراه بوده است. مطبوعات در این کشور زمانی آسیب پذیر شد که مصر نوین توسط محمدعلی پاشا ایجاد گردید. بنابراین در چنین شرایطی «الوقایع صریحه» توجیه گر اقتدار مطلقه والی مصر بود. در اواخر قرن نوزدهم زمانی هم که نیروهای خارجی جهت تسلط و نفوذ بر مقدرات این کشور رقابت را آغاز کردند، مطبوعات نیز به ابزارهای انعکاس دیدگاهها و نظریات این نیروها تبدیل شدند. مثلاً «المقطم» به پیاده شدن نقشه‌های انگلستان و «الایم» به تعبیر رویاهای فرانسه کمک می‌کردند. به واقع آنچه را که این مطبوعات در این دوره به چاپ می‌رساندند، در راستای تأمین منافع اشغالگران یا طبقه متوسط به بالا بود.

به طور کلی، بارزترین ویژگی مطبوعات این کشور، در هر دوره ای، حمایت از دولت، سیاست ها و اقدامات آن بوده است. در دوران معاصر نیز، گزارش ها و اخبار داخلی مطبوعات مصر، همواره بر موفقیت های ادارات دولتی متمرکز بوده است. این نکته، حتی در مورد اخبار بین المللی و جهان عرب نیز، صدق داشته است.

در همه این دوران، حتی اخبار منفی در مطبوعات مصر به گونه ای مطرح شده اند تا نشان دهند دولت برای حل مسائل، فعال بوده است. همچنین هنگامی که روزنامه نگاران به مسائل مهم پرداخته اند یا برخی اشتباهات اجرایی را نقد کرده اند، به گونه ای نبوده است که منجر به بی آبرویی نظام یا بی اعتبار شدن سیاست دولت، شود. بنابراین،

از این منظر، در این کشور، مطبوعات همواره، از آزادی نسبتاً وسیعی در نقد و انتقاد از برنامه های دولت برخوردار بوده اند؛ زیرا اولویت و رسالت همه آنها نشان دادن موفقیت های دولت بوده است؛ در غیر این صورت، آنها متهم به عبور از خطوط قرمز می شده اند، که همواره عواقب وخیمی را برای روزنامه مربوطه به همراه داشته است.

در واقع، در مصر همیشه برای پرهیز از سانسور مطبوعات، سیستم خود سانسوری حاکم بوده است. اگرچه نشریات دولتی، سر براه بوده اند، اما نشریات حزبی^۱ هم تنها در چارچوب قانون احزاب فعالیت کرده اند. معنی دیگر این سخن آن است که، در مطبوعات مصر، معمولاً همه انتقادات و مشکلات به نخست وزیر ختم می شوند و از ایشان جلد ز نمی روند. اگر نشریات و افراد مطبوعاتی با از گلیم خود درازتر نمایند، آن گاه باید در دادگاه های این کشور، پاسخگوی فساد مالی - اداری، رشوه، جاسوسی و ... باشند. این را نیز باید افزود که، در این کشور، بعضی از مطبوعات به خصوص مطبوعات حزبی، در ظاهر مخالف دولت هستند، ولی در باطن، آنها حکم سویاپ اطمینان به رژیم را دارند. برای همین، ذهی اوقات مشاهده می شود که هر از گاهی، در این نشریات، مقالاتی به ظاهر مخالف درج می شود، بدون آن از سوی حکومت مورد تهدید قرار گیرند.

خلاصه این که، امروز، بسیاری از روزنامه ها و مجلات در مصر، به طور مستقیم یا غیر مستقیم وابسته به دولت هستند، به خصوص این که عمده ترین آنها، تنها از سوی چند موسسه بزرگ، منتشر می شوند. موسساتی که پس از کودتای ۱۹۵۲ در مصر، مصادره شده اند و اکنون جزء موسسات دولتی به حساب می آیند. در حالی که برخی از این موسسات قبلاً خصوصی بوده اند. مهم ترین آنها عبارتند از: موسسه الاهرام^۲، موسسه الاخبار الیوم^۳، دار الهلال^۴، دار التحریر^۵، دار المعارف، دار الشعام، دار الشعب، روز البوسف، دار الميدان و غیره.

۱ - گاهی یک حزب چند نشریه (روزنامه، هفته نامه و ...) را در موضوعات مختلف منتشر می کند، مثل: حزب التجمع که هفته نامه سیاسی «التجمع» و ماهنامه ادبی «ادب و نقد» را منتشر می نماید و با حزب الوفد که روزنامه «الوفد» و هفته نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی «البدایه» را چاپ می کند.

۲ - موسسه الاهرام که علاوه بر روزنامه های الاهرام و الاهرام المسائی، هفته نامه های الاهرام انگلیسی و فرانسوی، الاهرام اقتصادی، الاهرام العربی، ماهنامه های مختارات الایرانیه، مختارات الاسرائیلیه، کراسات استراتیجیه، قرائات استراتیجیه، لغة العصر، الاهرام الدیموقراطیه، موسوعه السباب السیاسیه و ... را منتشر می کند.

۳ - موسسه الاخبار الیوم که علاوه بر روزنامه اخبار الیوم، هفته نامه های اخبار النجوم، اخبار النجوم، اخبار الیافیه، اخبار الادب، اخبار الحوادث و مجله بلبل را منتشر می کند.

با اوصافی که رفت باید گفت که، کتاب «تاریخ سیاسی مطبوعات مصر»، روایتی از تاریخ و روزنامه نگاری است. آن نه تاریخ صرف است و نه صرفاً تاریخ روزنامه نگاری. به عبارتی، آن تا حدودی تفسیر و تحلیلی از جدال میان تاریخ و روزنامه نگاری است. تاریخی که با سیاستمداران و روزنامه نگاران ساخته شده، اما تنها با روزنامه نگاران به ثبت رسیده است. بالاخره این که کتاب حاضر، بخشی از مسیر تاریخ مصر است که خواننده پس از پیمودن آن، در می یابد که کدام یک از آنان درست عمل کرده و راست گفته است؟

«تاریخ سیاسی مطبوعات مصر»، برای آنانی که در حوزه روزنامه نگاری، مدیریت رسانه، علوم سیاسی و تاریخ، پژوهش می کنند، حاوی مباحث بکر و نکته های قابل تأمل است و برای آنان هم در سایر زمینه ها مشغول مطالعه اند، هرگز ملال انگیز نیست. این یک ادعا نیست، می توان با خواندن آن، به میزان درستی این ادعا پی برد. نویسنده خود بی تردید که در توصیف نشیب و فرازهای تاریخ روزنامه نگاری مصر، احتمال لغزش می رود، ولی می داند که در حد بضاعت خود و امکانات و شرایط موجود کوشیده باشد که با تحقیق و بررسی اطلاعات و اسناد، از میزان اشتباه خود کاسته باشد. نویسنده نه تنها خود را از راهنمایی ها و تذکرات خوانندگان صاحب نظر و فرزانه بی بهره نمی بیند، بلکه انتظار دارد که این فرزانگان از به لطف، نویسنده را از نقدها و نظریات خود به هر صورت، با خبر کنند.

عباس اسدی^۴

مرداد ۱۳۹۵

^۱ - دارالتحریر، ۴ روزنامه به نام های الجمهوریه، المساء، انگلیسی و فرانسوی و ۴ هفته نامه به اسمی عقدنی، حریتی، ساسی و الکوره و الملاعب و کتاب الجمهوریه را به شکل ماهانه منتشر می نماید.

^۲ - دار الهلال، دارای ۴ هفته نامه به نام های المصور، حواء، الکواکب، سمیر و ماهنامه الهلال و کتاب هایی است که به اسمی زیر بصورت ماهانه منتشر می شود: کتاب الهلال الطبی، کتاب الهلال و السیاطین، طبیبک الخاص، کتاب الهلال للاولاد و البنات و روايه الهلال.